

گزارش «وطن امروز» درباره شیوه انتخاب نمایندگان سینمای ایران در اسکار به بهانه عدم پذیرش «بدون تاریخ، بدون امضا» در جمع نامزدهای این جایزه

یک سینما بدهکار ایران!

صفحه ۱۲

یادداشت امروز

رسوایی نئولیبرالیسم در شانزلیزه

امید رامز

نحوه مواجهه برخی جریان‌های سیاسی داخلی که طبیعتاً تئوری‌های اقتصادی خود را نیز در ایران دنبال می‌کنند با ماهیت اعتراض‌های مردم فرانسه، طیف‌بندی گروه‌های معترض، هدف از اعتراض‌ها و رهبری مخالفان نشان می‌دهد پوشش خبری و تحلیل وقایع فرانسه غالباً به دور از واقعیت و با جهت‌دهی خاصی همراه است.

اسفند ۹۲/ فوریه ۲۰۱۴، در حالی که آمریکا و اروپا همچنان درگیر تبعات بحران اقتصادی ۲۰۰۸-۹ بودند، پروفیسور امانوئل والرشتاین، استاد برجسته جامعه‌شناسی آمریکا که برای حضور در کنفرانس علمی و برخی محافل رسانه‌ای و دانشگاهی در ایران حاضر شده بود پس از خروج از ایران در مصاحبه با واشنگتن پست گفت: «برخی از استادی که گرایش‌های لیبرالی داشتند به من گفتند در ایران درباره افول آمریکا صحبت نکن چون در ایران از این صحبت‌ها علیه لیبرالیسم استفاده می‌شود».

سال ۹۵ نیز موسی غنی‌نژاد، از تئوریسین‌های نئولیبرالیسم در ایران در گفت‌وگو با نشریه «ایران آینده» در تحلیل بحران مالی آمریکا در سال ۲۰۰۸ در اظهاراتی منتقدان نئولیبرالیسم را دچار بیماری «پارانویا» دانست و در حالی که بسیاری از اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و متفکران غربی، اقتصاد سرمایه‌داری را که از دهه ۱۹۸۰ با اندیشه‌های نئولیبرالیسم در کشورها اجرا می‌شده است رو به افول می‌دانستند و حتی «ژوزف استیگلیتز» برنده جایزه نوبل، نه تنها اقتصاد جهانی بلکه علم اقتصاد را شکست خورده می‌دانست، غنی‌نژاد در تحلیلی وارونه بحران وال‌استریت را نه ناشی از شکست نظریه نئولیبرالیسم بلکه ناشی از دخالت دولت در اقتصاد و بازارهای مالی تفسیر کرد.

اندکی تدقیق در جزئیات بحران نشان می‌داد دخالت دولت اوپاما در بازار مربوط به بعد از بحران بود نه قبل از آن؛ که برای ممانعت از ورشکستگی بنگاه‌ها و عدم سرایت بحران به سایر بخش‌های اقتصاد، با انتشار چند تریلیون دلاری اوراق قرضه و افزایش سقف بدهی ملی، به جای حمایت از مردم متضرر، با حمایت از سیستم مالی که بحران به وجود آمده و واقع ناشی از کارکرد خود آنها بود، توانست آتش بحران را خاموش کند.

فراموش نکنیم بازار ثانویه و خرید و فروش اوراق قرضه که به گفته بسیاری از کارشناسان اقتصادی زمین‌ساز بحران وال‌استریت شد و تا سال ۲۰۰۸ در قالب طرح «SubPrime Mortgage» یا «خرید و فروش اوراق قرضه مسکن در بازار سرمایه» انجام می‌شد از ابزارهایی است که از دهه ۱۹۸۰ و با آغاز نئولیبرالیسم در آمریکا و بریتانیا ایجاد و به کارگیری شد و به دیگر کشورها از جمله فرانسه نیز سرایت کرد. اتفاقاً نقطه آغاز افزایش بدهی‌های ملی که ناشی از انتشار اوراق قرضه دولتی بوده است، چه در آمریکا و انگلیس و چه در فرانسه نیز دقیقاً دهه ۸۰ میلادی بوده است.

سال ۱۹۸۰ فرانسه فقط ۱۴۶ میلیارد دلار بدهی ملی داشت که این رقم ۲۰۱۳ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور بوده است. در این سال بدهی سرانه مردم فرانسه ۲۷۲۲ دلار بوده است. سال ۲۰۱۷ بدهی ملی فرانسه از ۲۵۰۰ میلیارد دلار گذشت. رقمی که ۹۸ درصد تولید ناخالص داخلی بوده و سهم هر فرانسوی از این بدهی را به ۳۷۹۴۳ دلار افزایش داده است. همانطور که بحران وال‌استریت در تحلیل‌ها صرفاً به بحران مسکن محدود می‌شد و بنیابه جنبش ۹۹ درصدی که خود را از کار، درآمد، بهداشت، آموزش و مسکن، محروم و همه امکانات را مخصوص یک درصد ابرثروتمند آمریکا می‌دانستند، نادیده گرفته می‌شد، این روزها نیز در حالی که متفکرانی نظیر فوکویاما بر طبل رسوایی نئولیبرالیسم و سرمایه‌داری می‌کوبند، اعتراضات سراسری مردم فرانسه در تحلیلی خلاف واقع توسط لیبرال‌های غربگرای ایرانی و رسانه‌های این جریان، اولاً به مخالفت با «افزایش نرخ سوخت و مالیات» تقلیل می‌یابد و ثانیاً ماهیت این اعتراضات، اعتراضات کمونیستی، سوسیالیستی و آنارشستی تحلیل می‌شود. این تحلیل‌های غلط اما در حالی است که:

اولاً- پلاکاردهای معترضان بخوبی نشان می‌دهد اعتراض‌های مردم فرانسه به هیچ وجه محدود به سوخت، مالیات و حداقل دستمزد نیست.

ادامه در صفحه ۱۲



تو خوبی!

در شرایطی که اعتراضات اخیر در فرانسه تاکنون ۸ کشته داشته وزارت خارجه این کشور در بیانیه‌ای خواستار توضیح ایران درباره مرگ یک عضو گروهک تروریستی تندر شد

صفحه ۲

سکوت وزارت خارجه در قبال برخورد خشن پلیس فرانسه با جلیقه‌زرها ادامه دارد!

نامه سرگشاده خانواده شهیدای ترور ایران به سفیر دانمارک در انتقاد از فعالیت آزادانه تروریست‌های عامل جنایت اهواز در این کشور

شوت‌های چرخشی خطرناک!

حسن رضایی

به سال ۹۰ تا ۳۸ میلیارد دلار بوده و در پس‌برجام به دلیل تمرکز دولت بر بازارهای اروپایی، تجارت خارجی ایران با کشورهای همسایه توسعه چندانی نداشته است. مجیدرضا حریری، نایب‌رئیس اتاق ایران و چین‌پندی پیش از همین زمینه گفته است: «اینکه بگوییم ما ۱۵ همسایه داریم، در واقع نوشداروی پس از مرگ سهراب است. با چند همسایه خود رابطه خوبی داریم؛ با کشورهای جنوب خلیج فارس که رابطه نداریم، ترکمنستان اجازه عبور هواپیماهای ما را نمی‌دهد، آذربایجان به دلیل حمایت ما از ارمنستان در موضوع قره‌باغ مشکل دارد».

وی ادامه می‌دهد: «بنابراین وقتی ادعا می‌کنیم بازار ۴۰۰ میلیونی در اطراف ما وجود دارد نباید فراموش کنیم که ما ۷۰ یا ۸۰ درصد آن مشکل داریم. مناسفانه باید اذعان کنم نخستین شرط تجارت برقراری رابطه مناسب با کشورهای دیگر است و ما رابطه خوبی با همسایگان خود نداریم». دیپلماسی علیل کشور در سال‌های اخیر نه تنها نتوانسته گامی در این مسیر بردارد، که همزمان با فرض گرفتن مرکزیت آمریکا در جهان، باعث بدبینی بسیاری از شرکای قدیمی ایران نسبت به کشورمان شده است. نمونه بارز این واقعیت تلخ را می‌توان امتناع شرکت‌های چینی از همکاری موثر در بخش نفت و گاز، پس از شاهکار آقای زنگنه در قرار دادن تمام تخم‌مرغ‌هایش در سبد اروپایی‌های بدعهد دید. آقای ظریف، شما با اقدامات‌تان قضاوت می‌شوید نه با شعارهای چرخشی‌تان!

وزارت امور خارجه ایجاد کرده، نمی‌داند ما در اطرافمان ۱۵ کشور با بازار عظیم داریم که غالباً به دلیل داشتن تکنولوژی پایین‌تر از صنایع ما، مهم‌ترین و مناسب‌ترین اهداف صادراتی هستند؟ چطور ایشان در تمام ۵ سال گذشته، قدمی موثر در راه رفع موانع تجارت با این بازارهای پرسود و غیرقابل جایگزین برنداشته است؟ آیا دخیل بستن به غرب و اروپا در مساله برجام، برای ما چیزی جز افزایش واردات دربر داشته است؟ پس از برجام، واردات کالا از فرانسه ۴ برابر، از انگلیس ۲/۵ برابر از آمریکا ۲ برابر، از هلند نزدیک ۲ برابر و از ایتالیا و آلمان نیز ۵۰ درصد رشد داشته است. نکته ناراحت‌کننده‌تر اینکه طبق گزارش‌های جهانی گردشگری در اسفند ۹۶، افت شدید رتبه ایران در بازار گردشگری حلال بعد از اجرای برجام رخ داده و ما از جمع ۱۰ کشور نخست این فهرست خارج شدیم! سهم ما از بازار ۱۰۰۰ میلیارد دلاری ۱۵ کشور اطرافمان، فعلاً تنها ۲ درصد است! بررسی داده‌های آماری گمرک ایران نشان می‌دهد مجموع تجارت خارجی ایران با ۱۵ کشور همسایه از حدود ۲۷ میلیارد دلار در سال ۸۷ به ۳۶ میلیارد دلار در سال ۹۶ رسیده است. طی ۱۰ سال اخیر بالاترین میزان تجارت خارجی ایران با ۱۵ کشور همسایه مربوط

سرخان اخیر وزیر امور خارجه در نشست حزب نسدای ایرانیان باعث تعجب بسیار شد. آقای ظریف علاوه بر اینکه متأسفانه چند خبر دروغ اعلام کرد، طوری حرف زد که انگار برجام را مرحومین شیخ حسن جوری و حسنک وزیر دنبال کرده‌اند، خواجه حافظ شیرازی هم پایش امضا نداشت، نه او و دوستانش! این حد از شجاعت و جسارت در وارونه‌نمایی حقایق چنانکه قبلاً بارها گفته شده، حاصل مصونیت آهنین آقای وزیر در زیر چتر رسانه‌های زنجیرهای است؛ رسانه‌هایی که حاضرند در راه نزدیکی به غرب، هر دروغی را تیتیر یک کرده، ماسکت را هم سیاه جلوه دهند! وزیر امور خارجه با حمله به منتقدانش گفته است: «یک باور غلط دارند و آن، این است که دنیا را در غرب می‌بینند. آنها غرب را مرکز جهان می‌بینند... دوران قدر قدرتی در جهان به پایان رسیده است ولی نمی‌خواهیم باور کنیم».

حفظ تعادل پس از شنیدن این سخنان از زبان آقای ظریف، باور کنید کار آسانی نیست. آقای ظریف اما باید همزمان با برهم زدن تعادل حرکتی جامعه ضمن این چرخش‌های ۱۸۰ درجه‌ای، این را هم توضیح دهد که چرا معتقد بود آمریکا با یک بمب می‌تواند کل سیستم دفاعی ما را از کار ببرد! و این را بگوید که چرا او و دوستانش تا همین دیروز آمریکا را کدخدای جهان معرفی می‌کردند؟ توضیح این نکته هم خالی از لطف نیست که چرا ایشان تا زمانی که دوست‌شان آقای جان کری وزیر خارجه



از سخن تا به عمل یک قدم است

از طرف: لا عمل

تیتیرهای امروز

نگاهی به دادگاه «کبر گودزی» سر کرده فرکان و بازشناسی این گروهک تروریستی به بهانه سالگرد شهادت دکتر مفتاح

تفسیر به میل



صفحات ۱۱ و ۶

ردپای ۲ محکوم امنیتی در پرونده باقری درمی

صفحه ۲

آیا تعدد نظرات و پیشنهادات مسؤلان درباره سر نوشت نرخ سوخت بیانگر آماده‌سازی افکار عمومی برای افزایش قیمت بنزین برای سال آینده است؟

سناریو بازی با بنزین

صفحات ۱۶ و ۲

بر اثر آتش‌سوزی سیستم گرمایشی در دبستان دخترانه‌ای در زاهدان ۲ دانش‌آموز پیش‌دبستانی جان خود را از دست دادند

فاجعه در مدرسه



صفحه ۴

نگاه‌امروز

گوش‌های ما مخملی نیست!

محمد ضیاءپور

تاریخ به جاهای جالبی رسیده است. همزمان با اینکه فرانسه به عنوان عروس فرهنگی غرب و کعبه آمل روشنفکران طفیلی‌مسک ایرانی، سرگرم تحکیم دموکراسی و حقوق بشر با باتوم، گلوله و گاز اشک‌آور در شانزلیزه است! با بیان تفکر لیبرال و ضدانقلابی در ایران هم خود سرگرم پیچیدن هرروزه نسخه این تفکر قاجاری و واپس‌گرا هستند. دیگر لازم نیست ما اثبات کنیم و بلکه قسم غلیظ جلاله بخوریم که زنجیرهای ما و غرب‌گرایان مدعی آزادی بیان، هر روز با رویای تعطیلی یا توقیف روزنامه «وطن امروز» به خواب می‌روند، یا اینکه چشم دیدن ولو یک منتقد- و نه مخالف- را هم ندارند. اگر چه دور از منطق به نظر می‌رسد ولی انسان‌گامی احساس می‌کند حتی دیگر لزومی به نقد دولت و بازنامی واقعات آقای روحانی، محمدجواد ظریف، عباس آخوندی، بیژن زنگنه، محمد خاتمی، غیبه و غیره هم برای افکار عمومی ایرانی نیست.

برای خاکسپاری محترمانه تفکر غرب‌گرای در ایران و نئولیبرالیسم در جهان، شاید تنها لازم باشد به همان تز وزیر محترم نفت مراجعه کنیم. زنگنه در جریان آتش‌سوزی مخزن ۲۰۰۱ پتروشیمی بوعلی سینای ماهشهر در سال ۹۵ گفته بود: «باید منتظر باشیم محتوای مخزن به صورت کامل بسوزد تا آتش خاموش شود» حالا هم دولت غرب‌گرای راست‌گویان (!) نیازی به نقد بیش از این ندارد به نظر من. به نظر دوم اینکه اگر من بی‌سواد، امروز از یک حرف آقای رئیس‌جمهور باسواد بخواهم سرسخانه حمایت کنم، همین حرف ایشان است که: «نقد بیش از حد مفید نیست!» این دولت نیازی به نقد ندارد اساساً، چون اولاً نقد را نمی‌شنود و منتقدان را بی‌شناسنامه، عصر حجر، بی‌دین، حسود، افراطی، جیمبر، دنیا ندیده، بیکار، مستضعف فکری، متوهم، دارای خطای دید، بزذل، تخریبگر، دین‌شناس، عقب‌مانده، لرزان، هوچی‌باز، کودک، فحاش! دروغگو، کاسب تحریمی، بی‌عقل، افراطی، تندرو و دین‌فهم می‌بیند. ثانیاً سخنان خود رئیس‌دولت و اعضای کابینه برای نقد دولت کافی است، بلکه از سرش هم زیاد است.

حد اکثر تلاش ممکن برای اثبات پوشالی بودن راهبردهای غلط دولت در غالب حوزه‌ها می‌تواند همین باشد که حرف‌های دیروز و امروز...

ادامه در صفحه ۱۲